

جزء دوازدهم

استقامت جمعی

﴿فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۲

پس همان طور که مأموریت یافته‌ای، ثابت قدم باش. کسانی هم که با تو رو به سوی خدا آورده‌اند، ثابت قدم باشند.



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ هُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِنْهُ مِرْيَبٌ
 ﴿١١٠﴾ وَإِنْ كَلَّا لَمَّا يُؤْفَيْتَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِّنَ
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
 لِلذَّكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بیانی از آیه شریفه

خداوند متعال در سوره مبارکه هود، داستان تعدادی از انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و ایستادگی آنان در مسیر مأموریت و مبارزات دامنه‌دارشان بر ضد شرک، کفر و انحراف را بیان می‌کند. سپس، به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان دستور می‌دهد که با الگو گرفتن از پیامبران الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، آنان نیز در این مسیر استقامت بورزند و می‌فرماید مسلمانان هرگز نباید به سبب کثرت دشمنان و حملات شدید آنان، میدان را خالی کنند.

«استقامت» از ماده قیام و به معنای تلاش برای ایستادن و به تعبیر دیگر، به زانو درنیامدن است.

دستور استقامت ورزیدن از این جهت است که دشمنان راه حق همواره مانع رسیدن مؤمنان به اهداف مقدس خود هستند و همواره در مسیر آنان مشکلاتی ایجاد می‌کنند و لازم است جامعه ایمانی در رکاب رهبر الهی در برابر این سختی‌ها مقاومت ورزد تا نتیجه نهایی حاصل شود. آنچه این دستور را سخت‌تر می‌کند آن است که این استقامت باید با انگیزه الهی باشد: **﴿كَمَا أُمِرْتُ﴾**، و همچنین، لازم است با رعایت چهارچوب‌های دینی و اخلاقی باشد و نباید در مسیر استقامت از چهارچوب الهی تخطی کرد و زیر فشارها به اقدامات غیرانسانی و غیراخلاقی دست زد: **﴿وَلَا تَطْغَوْا﴾**. البته آنچه در این مسیر به انسان کمک می‌کند، توجه به این نکته است که خدا شاهد و ناظر است: **﴿إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾**.

در سیره اولیای الهی می‌توان نمونه‌هایی از استقامت جمعی مؤمنان در رکاب و لقی خدا را مشاهده کرد که موجبات نصرت الهی در برابر دشمنان را فراهم کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان با استقامت مثال‌زدنی خود توانستند سال‌ها دشمنی کفار را پشت سر گذارند و به پیروزی بزرگی نائل شوند. امام حسین علیه السلام نیز به همراه اصحابشان، با یادآوری این نکته که همه مصائب پیش چشم خداست و خدا شاهد و ناظر است، توانستند بزرگ‌ترین جلوه صبر و استقامت برای خدا را بدون اینکه ذره‌ای از چهارچوب‌های اخلاقی و الهی تعدی کنند، به نمایش بگذارند. مردم شریف ایران هم در طول چند دهه گذشته، با اقتدای به اولیای دین و با رعایت موازین اخلاقی و انسانی، در برابر تهدیدها و تحریم‌ها ایستادگی کرده و دشمنان خود، از جمله رژیم غاصب صهیونیست را به زانو درآورده و به الگویی بزرگ برای مردم آزاده جهان تبدیل شده‌اند.

در آینه آیات کریمه قرآن

- ﴿فَلْيَدْلِكْ فَادِعُ وَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾^۱!
- ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۲.

۱. سوره مبارکه شوری، آیه ۱۵: «(پس آنان را) [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان‌گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن.»
۲. سوره مبارکه فصلت، آیه ۳۰: «(بی‌تردید، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند بشارت باد.»

- «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۱.
- «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲.
- «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً عَذْقًا»^۳.

در آینه روایات معصومان علیهم السلام

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: شَيْبَتْنِي هُوْدٌ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ قَوْلُهُ فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ.^۴
- امام علی علیه السلام: یا رسول الله، أوصني. قال: قُلْ «رَبِّيَ اللَّهُ» ثُمَّ اسْتَقِم. قلت: رَبِّيَ اللَّهُ وما توفيقِي إِلَّا باللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. قال: لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ أبا الحسن، لقد شربت العلم شرباً ونهلتُهُ نهلاً.^۵

۱. سوره مبارکه یونس، آیه ۸۹: «[خدا] فرمود: دعای شما دو نفر پذیرفته شد. بنابراین، [در ابلاغ پیام خدا] پابرجا و استوار باشید و از روش کسانی که جاهل و نادان اند پیروی نکنید.»
۲. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۲۸: «موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید. یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می بخشد، و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.»
۳. سوره مبارکه جن، آیه ۱۶: «(و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند، حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد.)»
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۱۳: «سوره هود من را پیر کرد. گفته شد: دلیلش چیست؟ فرمودند: این سخن خدا که فرمود: همان گونه که مأمور هستی استقامت کن.»

۵. اربلی، کشف الخمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۱۱۴: «(و از علی بن ابی طالب روایت شده که گفتم: یا رسول الله، مرا به چیزی توصیه فرمایید. فرمودند: بگو پروردگار من الله است و سپس استقامت کن. پس، گفتم: پروردگار من الله است و توفیقم فقط به

- امام علی علیه السلام: أَفْضَلُ السَّعَادَةِ اسْتِقَامَةُ الدِّينِ.^۱
- امام علی علیه السلام: كَيْفَ يَسْتَقِيمُ مَنْ لَمْ يَسْتَقِمِ دِينُهُ؟!^۲

در آینه کلام بزرگان

■ لحن شدیدی که در این آیه است بر کسی پوشیده نیست. [آری، هر که این آیه را به دقت مورد نظر قرار دهد، می بیند] که هیچ اثری از آثار رحمت و نشانه لطف و مهر وجود ندارد.

قبل از این هم آیاتی بود که در آنها داستان مؤاخذه امت‌های گذشته به کیفر اعمال ناپسندشان آمده بود و با لحنی شدید که دل انسان را تکان می‌داد خاطر نشان می‌ساخت که خداوند از آدمیان بی‌نیاز است. چیزی که هست اسم بردن خصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان مؤمنین، در عین اینکه تجلیلی از آن حضرت است...، تشدید را هم در حق ایشان مبالغه می‌کند؛ زیرا وقتی قبل از دیگران اسم خصوص آن جناب برده شد، قهراً هول و هراس خطاب و ترس و وحشتی که از تکلم کردن مقام عزت و کبریایی حق ناشی می‌شود، لبه تیز آن، متوجه آن جناب می‌گردد، و لذا بیشتر مفسرین گفته‌اند: اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوره هود مرا پیر کرد» ناظر به همین آیه است.^۳

[یاری] خداست. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم. فرمودند: علم به فرمان تو شد یا ابا الحسن. شربت علم را نوشیدی و لباس اصلی علم را پوشیدی.)

۱. تمیمی الآمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، حکمت ۲۸۶۹: «بالا ترین فضیلت استقامت کردن در راه دین است.»

۲. همان، حکمت ۶۹۹۴: «(کسی که بر آیین صحیحی نیست چگونه استقامت می‌کند؟)»

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۶۶.

■ پیام‌های آیه:

۱. نتیجه تاریخ انبیا استقامت است: «فَاسْتَقِمُّ»؛
۲. در استقامت و پایداری، رهبر باید پیش‌گام همه باشد: «فَاسْتَقِمُّ» (شرایط مکه برای مسلمانان صدر اسلام دشوار و نیاز به استقامت بوده است)؛
۳. پایداری زمانی ارزش دارد که در همه امور باشد: در عبادت، در ارشاد، تحمل ناگواری‌ها و مانند آن: «فَاسْتَقِمُّ»؛
۴. عمل باید برطبق نص و فرمان الهی باشد، نه بر اساس قیاس و استحسان و خیال و امثال آن: «كَمَا أُمِرْتُ»؛
۵. پایداری رهبر بدون همراهی و پایداری امت، بی‌نتیجه است: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛
۶. رجوع و بازگشت به خدا بهای سنگینی را می‌طلبد و آن استقامت و پایداری در راه مستقیم است: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛
۷. همه چیز باید طبق فرمان باشد، نه زیاده‌روی و طغیان: «كَمَا أُمِرْتُ... وَلَا تَطَّعُوا»؛
۸. رهبر و امت باید در راه مستقیم حرکت کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند: «فَاسْتَقِمُّ»، «وَلَا تَطَّعُوا»!

■ استقامت در مسیر ارزش‌ها و عدم انحراف

یک توصیه که توصیه مهمی است، این است که شما که بحمدالله ویژگی‌های خوبی دارید: انقلابی هستید، پرتلاش هستید، پرتوان هستید، دنبال کار هستید، این ویژگی‌ها را حفظ کنید؛ این ویژگی‌ها را تا آخر دوره نگه دارید. خیلی‌ها بودند که در اول کار همین جور خصوصیات را داشتند؛ انقلابی بودند، پرتوان بودند، پُرانرژی بودند، با حرارت حرف می‌زدند، با

۱. قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۲۶.

حرارت کار می‌کردند، لکن به مرور زمان نتوانستند در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کنند؛ وسوسه مال، وسوسه مقام، وسوسه شهرت، وسوسه نام و نشان. نتوانستند مقاومت کنند، راه کج شد، رفتار عوض شد، گاهی به ۱۸۰ درجه اختلاف با اول کار منتهی شد. لذا می‌بینید خدای متعال در قرآن می‌فرماید: **﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾**؛ تنزل ملائکه رحمت الهی مال آن کسانی است که می‌ایستند پای این حرف. **﴿ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾**؛ استقامت می‌کنند، می‌ایستند.^۱

■ لزوم استقامت جمعی مردم در برابر فشارهای دشمن

فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود. مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد. این جور نیست که آدم را به کلی مأیوس کنند. می‌گویند برمی‌داریم، اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد. این خب، خیلی چیز خطرناکی است؛ خیلی چیز مهمی است. این شرط‌ها ممکن است که شرط‌های به شدت گمراه‌کننده و هلاک‌کننده‌ای باشد. در یک چنین وضعی، انسان چه کار باید بکند؟ اینجا انسان متوجه می‌شود که علاج این **﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾** است؛ چون این مسئله، مسئله عمومی است؛ مسئله شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر ﷺ] هست. مخاطب **﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾** پیغمبر ﷺ است و به مردم ربطی ندارد؛ اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: **﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾**؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما می‌خواهد.^۲

۱. بیانات امام خامنه‌ای در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۳/۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۴.

■ استقامت در برابر دشمن تنها راه علاج دشمنی او

نکته بعدی این است که علاج این دشمنی هم یک چیز بیشتر نیست و آن «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ»؛ ایستادگی [است]. خداوند متعال به پیغمبرش در مقابل این مشکلات فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»؛ استقامت، ایستادن. البته ایستادگی سختی‌هایی هم دارد؛ نه اینکه کار آسانی است؛ لکن تسلیم شدن سختی‌های بیشتری دارد. فرقی هم این است که شما در راه استقامت و مقاومت هر سختی‌ای که متحمل بشوید، خدای متعال به شما اجر خواهد داد: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا أَكْتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ». هر سختی‌ای که شما تحمل بکنید، یک عمل صالح است، درحالی‌که اگر تسلیم دشمن بشوید، سختی‌هایتان هیچ اجری هم پیش خدای متعال ندارد، بلکه تن به ظلم دادن مجازات هم دارد. قرآن این جوری دستور می‌دهد: نه ظلم کنید، نه زیر بار ظلم بروید.^۱

■ استقامت در هر کس به گونه‌ای است

استقامت به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند؛ همان طوری که پاسدارها و ارتش ما در جبهه‌ها پایداری‌شان به این است که جنگ را خوب عمل بکنند و پیش ببرند. پایداری کشاورز این نیست که جنگ بکند؛ پایداری کشاورز این است که کشاورزی‌اش خوب باشد. پایداری بانک‌دارها این است که خوب عمل بکنند و پایداری افرادی که پرسنل اداره مالیه هستند، ... این است که خوب عمل بکنند؛ ناراضی درست نکنند.

ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی،



﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ [در زندگی اجرا کنیم]...؛ یعنی پیغمبر ﷺ

مأمور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید. باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید؛ نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با ابرقدرت‌ها کردید باید ادامه بدهید؛ و ادامه به این است که هرکس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد.^۱

■ استقامت رمز قدرت

اکنون اگر ایران را قدرتی هم‌سنگ بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان می‌شناسند، نه از آن است که ما صاحب تکنولوژی پیشرفته‌تری هستیم یا گام‌های بلندی در زمینه توسعه اقتصادی برداشته‌ایم؛ ... این قدرت الهی است که همه دنیا را دیر یا زود مسخر اعتقادات ما خواهد کرد و پرچم اسلام را بر فراز همه بلندی‌های عالم به اهتزاز در خواهد آورد. تسخیر قلوب مردم حق طلب جهان و صدور انقلاب با پیشرفت‌های تکنولوژی میسر نیست. با تبعیت از این فرمان قرآنی میسر است که ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾؛ و کسی اهل استقامت است که از خود گذشته باشد.^۲

■ استقامت نشانه عاشقی

ما از سوختن نمی‌ترسیم، که پروانه‌های عاشق نوریم و هر جا که نور ولایت است، گرد آن حلقه می‌زنیم. پیام ما استقامت است و این همان نوری است که فراتر از زمان و مکان، از خزاین معنوی آیه مبارکه ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ بر ما تابیده است و این چنین آینده از آن ماست.^۳

۱. بیانات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در جمع مسئولان اقتصادی و کشاورزی، ۱۳۶۳/۲/۲۵.

۲. آوینی، «سودپرستی، بنیاد اقتصاد آزاد».

۳. همو، صوت ۱۳۲؛ ما از سوختن نمی‌ترسیم.

■ استقامت دیروز، قدرت امروز

رحمات و مجاهدت‌ها و سختی کشیدن‌ها و گرسنگی خوردن‌های ده‌ساله رسول اکرم ﷺ و یارانش باعث شد که نیم قرن بعد از رحلت آن حضرت، بیشتر از نیمی از دنیا در اختیار مسلمانان باشد. سختی‌های زیادی در زمان پیامبر ﷺ تحمل شد. سرگذشت اصحاب ص صُفّه را که می‌دانید. لباس قرض دادن به یکدیگر را که شنیده‌اید. آنها در آن زمان، با یک خرما در میدان جنگ مقاومت می‌کردند. نفر اول خرما را می‌مکید تا از شیرینی آن مقداری جان بگیرد، بعد، از دهانش بیرون می‌آورد و به نفر دوم می‌داد و او هم می‌مکید و قدری او هم جان می‌گرفت و سپس خرمای دوبارمکیده را به نفر سوم می‌داد که او فروبدهد. این‌گونه زندگی می‌کردند، این‌طور سختی می‌کشیدند و این‌طور کمبود داشتند. در ابتدای کار، فشار روی آنها از همه طرف زیاد بود. اول کار همان پنج-شش ماه و یک سال اول نیست. پنج-شش ماه در عمر یک مسافرت، اول کار محسوب می‌شود، نه در عمر یک ملت و نه در عمر یک تاریخ‌نو. در عمر یک ملت، ده سال و بیست سال چند روز محسوب می‌شود. در دوران پیامبر ﷺ مردم سختی‌ها را تحمل کردند؛ اما بعد از آنکه پایه محکم شد، آن مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها و اخلاص‌ها و تربیت‌ها موجب شد این حرکت آن چنان سریع ادامه پیدا کند که پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر ﷺ، بیشتر از نیم دنیا در اختیار مسلمان‌ها باشد.^۱

در آینه شعر و حکایت

در ره منزل لیلی که خطرهایست در آن

شرط اول قدم آن است که مجنون باشی^۲

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۸/۲۴.

۲. حافظ، دیوان حافظ، غزل شماره ۴۵۸.

دلا، ز معرکه محنت و بلا مگریز
چو گردباد به هم پیچ و چون صبا مگریز
تو راست معجزه در کف، ز ساحران مهراست
عصا بیفکن و از بیم اژدها مگریز
تو موج غیرت و عزمی، ز بحر بیم مدار
حذر ز غرش طوفان مکن، ز جا مگریز
ز سست عهدی ایام دل شکسته مشو
نشانه باش چو پرچم، ز بادها مگریز
چو صخره باش و مکن تکیه جز به دامن کوه
به حق سپار دل خویش و از دعا مگریز
تو از تبار دلیران خیبر و بدری
چو ذوالفقار و چو حیدر بزن صلا، مگریز
به نوش خند منافق ز ره کناره مگیر
به زهر خند معاند به انزوا مگریز
چو ره به قبله امن است، پایمردی کن
خطا مکن، ز توهم به ناکجا مگریز
چو تیر، راه هدف گیر و بر هدف بنشین
ز کج روی به حذر باش و از خدا مگریز
امین خلق و امانت‌گذار یزدان باش
به صدق کوش و خطر کن، ز مُدعا مگریز!

آغاز شد حماسه بی‌انتهای ما
 پیچید در زمانه طنین صدای ما
 آنک نگاه کن که ز خون نقش بسته است
 بر اوج قله‌های خطر جای پای ما
 ماندند هم‌رهان همه در وادی نخست
 جز سایه‌ها نماند کسی در قفای ما
 ما رو به آفتاب سفر می‌کنیم و بس
 زین‌روی در قفاست همه سایه‌های ما
 دردا و حسرتا که ز بیگانه هم ربود
 در این میانه گوی ستم، آشنای ما
 بنگر چگونه عاطفه از دست می‌رود
 ای وای اگر ز پای نشینیم، وای ما^۱

به خیمه‌گه چو شبیخون بی‌امان زده خصم
 ز تیربار کلامم به او امان ندهم
 به‌رغم این‌همه تحریم، پیش چشم عدو
 ز بیم، پرچم تسلیم را تکان ندهم^۲

سرو است و به ایستادگی متهم است
 از شش جهت آماج هزاران ستم است

۱. امین‌پور، مجموعه کامل اشعار، ص ۴۰۲.

۲. افشین علا.

شعرم همه ارزانی این یک مصراع

«جمهوری اسلامی ایران حرم است»^۱

تردید نکردیم و در آشوب حوادث

از هرچه گذشتیم از ایران نگذشتیم^۲



- شناسایی عواملی که مانع صبر و استقامت است؛ مثل دید نداشتن به مقصد.
- شناسایی قواعد صبر و استقامت.
- دعوت مردم به صبر به همراه تبیین علل استقامت برای آنها.



ضرر کارهای ناتمام بیشتر از شروع نکردن کارهاست

همه ما کم و بیش کارهای ناتمامی در زندگی‌هایمان داریم. گاهی تصمیماتی گرفتیم که هرگز عملی نکردیم یا اگر عملی کردیم، چند روزی نکشید که رهاپیش کردیم؛ درحالی‌که اثر بعضی از کارهای خوب به این است که به سرانجام برسد؛ وگرنه اثری نخواهد داشت. ضرر کارهای ناتمام گاهی از شروع نکردن آنها بیشتر است.

۱. میلاد عرفان‌پور.

۲. مصطفی محدثی.

عده‌ای از مسلمانان نامه نوشتند که حسین، بیا. ما پای کار هستیم. آنها کوفی‌ها بودند. کوفی‌ها مردم عجیبی هستند. گروهی به شام رفتند و دیدند یزید حرمت اسلام را نگه نمی‌دارد. دست امام حسین علیه السلام را در پوست گردو گذاشتند. نامردی کردند، امام را جلو انداختند و خودشان پا پس کشیدند. چرا بیخود اظهار آمادگی کردید؟ چرا امام را در محذوریت قرار دادید؟ اثر کار نیمه‌تمام می‌شود کربلا.

هر استقامتی ارزش ندارد

اینجاست که آدم معنای سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌فهمد که فرمودند: «سوره هود پیرم کرد.»^۱ یا رسول الله صلی الله علیه و آله کدام آیه از سوره هود شما را پیر کرد؟ همان جا که فرمود: «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۲ «همان‌گونه که فرمان یافته‌ای استقامت کن، و همچنین، کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند [باید استقامت کنند] و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند.» نباید از کنار این آیه که پیغمبر صلی الله علیه و آله را پیر کرده است به سادگی بگذریم. فرمود استقامت کن، نه هر استقامتی؛ آن استقامتی که من به تو دستور دادم و تو مأمور به نوع خاصی از استقامت هستی.

به قول علامه، منظور از این استقامت، استقامت در اقامه دین است.^۳ اقامه دین در جامعه موانعی دارد، محدودیت‌هایی دارد، طبق مدلی که

۱. قَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْرَعَ إِلَيْكَ الشَّيْبُ قَالَ شَيْبَتِي هُوَ وَالْوَأَقِعَةُ وَالْمُرْسَلَاتُ وَعَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (ابن بابویه قمی، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۹)؛ «عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که ابوبکر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، پیری زودرس به سراغ شما آمده است. فرمودند: سوره هود، سوره واقعه، سوره مرسلات و سوره عم یسائلون مرا پیر کردند.»

۲. سوره مبارکه هود، آیه ۱۱۲.

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۶۳.

برای تو تعریف کرده‌ام استقامت کن و اقامه دین در جامعه کن. گاهی ما در جامعه به مدلی که خدا فرموده است دین را اقامه نمی‌کنیم.

استقامت یعنی چه؟

در معنای استقامت دو حقیقت قرار داده شده است: یکی اینکه بایست و دیگری اینکه به این ایستادن ادامه بده (طلب قیام). شخصی نشسته است. به او می‌گویند: بلند شو. او می‌ایستد. به این حالت او می‌گویند ایستادن. در این حالت، رکن اول معنای استقامت رخ داده است. حالا اگر این حالتش را ادامه بدهد، یک ساعت روی پا بایستد، به این می‌گویند ایستادگی، پایداری.^۱

استقامت مسلمانان در جنگ خندق

یکی از نمونه‌های برجسته از این نوع استقامت در تاریخ صدر اسلام جنگ خندق بود. دشمنان اسلام از قبیله‌های مختلف، مانند قریش و یهودیان بنی‌نضیر، متحد شده بودند تا به مدینه حمله کنند و مسلمانان را نابود سازند. تعداد دشمنان بسیار زیاد بود و مسلمانان از نظر تجهیزات نظامی و نیروی انسانی در شرایط ضعیفی قرار داشتند. در طول این محاصره طولانی، مسلمانان با مشکلات زیادی مواجه بودند: گرسنگی، سرما و کمبود تجهیزات همه آنان را در تنگنا قرار داده بود. برخی از افراد ضعیف‌الایمان به تردید افتادند و در برابر این شرایط سخت، ناامید شدند؛ اما پیامبر ﷺ و مؤمنان استقامت ورزیدند و با ایمان به خداوند و تکیه بر قدرت الهی، در برابر این فشارها ایستادند. در نهایت، با امدادهای الهی و استقامت مؤمنان دشمنان عقب‌نشینی کردند و مسلمانان پیروز میدان شدند.

۱. رک: همان، ص ۶۱.

تجربه تاریخی ما در قرآن به ما نشان می‌دهد که مسلمانان به رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تحمل سختی‌ها و پایداری در برابر دشمنان، به پیروزی دست یافتند و نشان دادند که با ایمان به خدا و پیروی از دستورهای الهی می‌توان از چالش‌های بزرگ عبور کرد و به موفقیت رسید.

سازش با دشمن که در مقابل استقامت است، چه چیزی برای جامعه به ارمغان دارد؟ چگونه می‌خواهیم با دشمنی که جز به نابودی ما نمی‌اندیشد سازش کنیم؟

هدیه خدا به اهالی استقامت

در آخر آیه می‌فرماید: **﴿إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾**؛ یعنی خداوند به رفتار اهالی استقامت و مقاومت توجه دارد. این عبارت به مؤمنان اطمینان می‌دهد که در سخت‌ترین لحظات هم خداوند همراه آنهاست و آنها را نظاره می‌کند. این آگاهی از حضور دائمی خدا به مؤمنان آرامش می‌بخشد و آنها را قادر می‌سازد تا با انگیزه‌ای الهی به راه خود ادامه دهند.

مردم شریف ایران هم در طول چند دهه گذشته، با اقتدای به اولیای دین و با رعایت موازین اخلاقی و انسانی، در برابر تهدیدها و تحریم‌ها ایستادگی کرده و دشمنان خود، از جمله رژیم غاصب صهیونیست را به زانو درآورده و به الگویی بزرگ برای مردم آزاده جهان تبدیل شده‌اند.

امروزه، جبهه مقاومت نشان داده است که قدرت واقعی در حفظ استقامت در راه حق نهفته است، نه در تعداد سلاح‌ها یا منابع مادی.



